

جام جم و خون دل

درست ده سال پیش (۸۷/۷/۱۸) مکتوبی را آوردم، که بازخوانی امروز آن نشان می‌دهد که در این موضوع در این یک دهه، چه میزان پیشرفت یا در جازدن داشته‌ایم:

"استفاده از ابزاری" اصطلاحی است که در سالهای اخیر وارد ادبیات سیاسی و اجتماعی این مرز و بوم شده است. منظور از این مفهوم نه فقط استفاده نابه‌جا و غیر مورد از واژه‌ها، تصویرها، ضرب‌المثله‌ها، حکم و امثال است، بلکه روح این اصطلاح در صدد ستیز و مقابله با سوءاستفاده از پاره‌های ادات و مفاهیم است. شاید در تاریخ دینی آشنای ما اولین و بدترین استفاده ابزاری، زمانی صورت گرفت که لشکریان معاویه به اشاره عمر و عاص به آهنگ تزویر و نیرنگ در جنگ صفین، قرآن را بر سر نیزه کردند و همان، آغازی شد بر بروز سلسله فتنه‌هایی که تا آخرین روز، امیرالمؤمنین را یک دم فارغ از آن فتنه‌ها نگذاشت. استفاده ابزاری یعنی تزویر و نیرنگی که بارنگی ظاهری از بخشی از حقیقت، نهایتاً باطلی را به عرصه می‌آورد و جای گیرش می‌کند. تعبیر امیرالمؤمنین (ع) در آن واقعه این بود که: «هان، ای ابرار خودی! فریب‌مخوری، که کلمه حقی در استخدام باطل در آمده است؛ و البته آن فریب، کار خود را کرد و فتنه‌های بعدی را رقم زد. اگر آن قرآنها بر سر نیزه، بالاترین نمود "استفاده ابزاری" بود، که بود؛ در عین حال نمی‌توان بر نمودهای نازل‌تر و به‌ظاهر پیش‌افتاده‌تر این تزویر دیده فرو بست. استفاده ابزاری، یعنی سوءاستفاده از یک حق در جهت به کرسی نشاندن یک باطل، مذموم و ناپسند است و کوچک و بزرگ نمی‌شناسد؛ گاه قرآن بر سر نیزه است، گاه خواندن یک بیت شعر نفیس از شاعری بزرگ، گاه به کار بردن یک ضرب‌المثل اخلاقی و یا حتی به استخدام آوردن یک فولکلور و فرهنگ سنتی عامه. هر کدام این‌ها اگر نابه‌جا، و بدتر از آن، ناحق به استخدام آورده شوند، عملی مذموم بلکه نیرنگ‌آمیز است، چگونه می‌توان از کنار این بی‌حرمتی به زبان و ادبیات فاخر فارسی به راحتی گذشت که اشعار شاعران بزرگ و زاینده‌های نفیس ذوق و قریحه آنان، امروز در تیزرها و آگهی‌های تبلیغاتی در استخدام فروش کالاها یا نامرغوب و یا حتی مرغوب (!) در آید و گویندگان خوش صوت و لحن که بعضاً سوابقی هم در شعر خوانی دلنشین و گویندگی ادبی دارند، بدین امر حقیر و بلکه غیر اخلاقی تن در دهند و ابیات حافظ و سعدی و فردوسی را پیشوند دست‌مایه تبلیغ فلان سود بانکی یا فلان حل‌المسائل کنکوری کنند؟ درست است که بانکداران و آموزشگاه‌گردانان، که اولی سخت به سود مردم می‌اندیشد و دومی شدیداً به فکر علم و دانش فرزندان مردم است (!!!)، ممکن است در تبلیغات خود به هر ترفندی بیندیشند و هر طراحی را مجاز شمارند، لیک سؤال این جاست که رسانه ملی ما که باید اولین متکفل فرهنگ و ادب این سرزمین باشد، چگونه چنین

مشغول باشد، چگونه می‌تواند راه حلی برای فرار از مشکل باشد؟ در حالیکه اگر شخصی بر این صندلی مدیریت می‌نشست که دارای ویژگی‌های بالا بود، ولی برای مثال تنها روزی ۹ ساعت در محل کارش حاضر بود، حتماً آن ۹ ساعت بسیار بیشتر از آن ۱۴ ساعت برای مهار شرایط نامطبوع کنونی، مفید بود. این جملات را بی‌شک رئیس‌جمهور محترم ایران هم می‌دانند و چنین نظری دارند، ولی اینکه در مقابل نمایندگان مردم و در جلسه سنجش قدرت و صلاحیت ۴ نفر از مهمترین مدیران کشور، مهمترین هشدار به وزرای خویش را، هشدار در خصوص بالا بردن تعداد ساعات کاری خود قرار می‌دهد، هیچ خبر خوبی نیست، چرا که در کمال تأسف چنین به نظر می‌رسد که گوینده این جملات در نظر دارد به شنونده القا کند که اگر کسی ۱۴ ساعت و بیشتر در محیط کارش بود، دیگر نمی‌توان از او انتظار بیشتری داشت چرا که از تمام تفریحات و استراحت و خانواده خود، گذشته و تمام ساعات روزانه‌اش را به مردم اختصاص داده است. اما هیچ کم نیستند مدیرانی که هر چه بیشتر در محیط کار خود می‌مانند، تصمیمات غلط و سواد و تجربه اندکشان باعث می‌شود، عملکرد سازمان هر لحظه بیشتر در سراسیمگی سقوط قرار بگیرد!

حساسیت بیشتر نشان دهند، پاییز و زمستان ۹۷، اولین سالی باشد که روزهای خطر و اضطراب آلودگی هوا به شکل معناداری کاهش یابند، آن هم در شرایطی که شهر، شهردار ندارد! بویژه که برقراری دوباره کارت سوخت و سهمیه بنزین خودرها و افزایش بهای بنزین هم، خواسته یا ناخواسته در همین روزها آغاز خواهد شد و بسیاری از رانندگان در تهران، برای حفظ پولهای داخل جیبشان، ناچار خواهند بود آلودگی کمتری تولید کنند و به این ترتیب تهران ثابت کند که بدون شهردار، تمیزتر خواهد بود!

رأی می‌توان از نظر دور کرد که تا زمانی که این شرکتها در اختیار دولتها هستند و نظارت‌های سنتی بر آنها اعمال می‌شود، همچنان سوءاستفاده‌ها و فروش "پستها" ادامه خواهد داشت، هر چند در دوره‌های شاید کاهشی هم داشته باشند. پس وزیر جدید اگر واقعاً از چنین اخباری آشفته می‌شوند، از امروز باید به دنبال راهی باشند تا سایه دولت از سازمان تامین اجتماعی کنار رود و این صدها شرکت به دست بخش خصوصی بیفتند و تنها در آن روز است که وزیر می‌تواند مطمئن باشد، در بخش خصوصی، کسی حاضر نیست برای شرکتی که خود، مالک آن است، رشوه برای فروش پست خود دهد یا کسانی را به کار گمارد که تخصص و تجربه‌ای ندارند و تنها برای گرفتن حقوق به آنها مراجعه می‌کنند.